

روایت کاخ سفید از پیروزی با اعلام آتش بس، خلاف آن چیزی است که تحلیلگران غربی از فرار ترامپ از ضرب‌الاجل پرهزینه‌اش روایت می‌کنند

ترامپ عقب نشست، ایران قوی‌تر شد



فاطمی‌نژاد در حالی که دونالد ترامپ، ضرب‌الاجلی تا بامداد ۸ آوریل تعیین کرد مبنی بر آنکه تهران باید به آنچه آمریکایی‌ها می‌گویند تن بدهد و گزینه «تمامی تمدن» ایران نابود خواهد شد، در ساعات پایانی این مهلت اما، آنچه رخ داد نه پایان تمدن ایران که فرار از یک ضرب‌الاجل پرهزینه برای کاخ سفید بود. رئیس‌جمهور آمریکا که وعده «جنگ کوتاه برای نابودی یک تمدن کامل» را داده بود، ناآهان عقب نشست و البته اسلام‌آباد را برای حفظ وجهه خود جلو انداخت. این نکته که ترامپ پاکستان را تحت فشار قرار داد تا برای برقراری آتش بس موقت با ایران میانجی‌گری کند را فایننشال تایمز افشا کرد. شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان ساعاتی پیش از اتمام مهلت، در درخواستی فوری از ترامپ خواست دو هفته فرصت بدهد تا «دیپلماسی مسیر خود را طی کند». ترامپ این درخواست را پذیرفت، اما نکته این بود که اسلام‌آباد و تهران تأیید کردند فرصت دو هفته‌ای آتش بس برای مذاکرات مبتنی بر طرحی ۱۰ ماده‌ای بود که ایران ارائه کرده بود. طبیعی است که ترامپ بلافاصله در قامت انسان‌رسانه ظاهر شده و روایتش از ماجرا را آن طور که می‌خواهد روایت کند، ولی مرور آنچه تحلیلگران غربی در رسانه‌های غربی و عبری داشته‌اند دقیقاً عکس آنچه رئیس‌جمهور آمریکا درصدد بر ساخت آن است را نشان می‌دهد.

عصیانیت اشغالگران از ناکامی در سه هدف نتانیاهو از جنگ

شاید بتوان نقض گسترده آتش بس توسط اسرائیلی‌ها با

حمله به لبنان را واکنش به همان چیزی تفسیر کرد که این رسانه‌ها از فرامتن این آتش بس انعکاس دادند. به عنوان مثال خوانش رسانه‌های عبری از آتش بس دوهفته‌ای نشان می‌دهد واکنش‌ها درون اسرائیل مملو از ناامیدی و انتقاد شدید، هم نسبت به رهبری سیاسی و هم نسبت به استراتژی نظامی اشغالگران است؛ ضمن اینکه حرف و حدیث‌ها در خصوص شکست‌های میدانی و سیاسی و عدم دستیابی به اهداف اعلام شده جنگ به شدت برقرار است.

رسانه «اسرائیل تودی» نیز با نقل سخنان یک دیپلمات خلیج‌نشین به آسوشیتدپرس از نگرانی مشترک اسرائیل و کشورهای حاشیه خلیج فارس این گونه پرده برداشت: نگرانی در میان کشورهای عربی وجود دارد که ایران بتواند از این جنگ قوی‌تر بیرون بیاید.

آموس هارل، تحلیلگر نظامی «هاآرتص» نیز نوشت: «با شروع حمله در ۲۸ فوریه، دفتر بنیامین نتانیاهو سه هدف اصلی این کارزار را برای روزنامه‌نگاران تشریح کرد: سرنوشت رژیم ایران، از بین بردن برنامه هسته‌ای و از بین بردن تهدید موشک‌های بالستیک. تاکنون هیچ یک از آن‌ها محقق نشده است. رژیم ایران هنوز پابرجاست، راه حلی برای آن ۴۴۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده پیدا نشده و برنامه موشکی هنوز در حال اجراست». نکته مهم دیگری که این تحلیلگر روی آن دست گذاشت، «آسیب دیدن جایگاه اسرائیل در آمریکا به اتهام کشاندن ترامپ به جنگی غیرضروری» است.

در همین زمینه، یائیر لاپید چهره سیاسی سرشناس و رهبر مخالفان نیز از اینکه اسرائیل هیچ نقشی در تصمیم‌های

مربوط به امنیت ملی خود ندارد، اظهار تأسف کرد. او گفت: «ما هرگز در تاریخ خود شاهد چنین فاجعه سیاسی نبوده‌ایم. ارتش آنچه را که لازم بود انجام داد، اما نتانیاهو از نظر سیاسی و استراتژیک شکست خورد و به هیچ یک از اهداف خود نرسید». به گفته لاپید، «سال‌ها طول خواهد کشید تا خسارت‌های ناشی از تکبر، سهل‌انگاری و فقدان برنامه‌ریزی استراتژیک نتانیاهو جبران شود».

ایران از نظر استراتژیک قوی‌تر از قبل است

در فضای رسانه‌ای در آمریکا و اروپا نیز تفسیر از این آتش بس، تفاوت چندانی با سرزمین‌های اشغالی نداشت. «ند پرایس» سخنگوی سابق وزارت خارجه آمریکا ساعاتی پس از اعلام آتش بس نوشت: «ظاهر جنگ در حالی رو به پایان است که ایران کنترل تنگه هرمز را در دست گرفته و از آن عوارض می‌گیرد و تحریم‌های ایالات متحده بر نفت ایران نیز لغو شده است. اگر این وضعیت به «هنجار جدید» تبدیل شود، ما مقادیر عظیمی از خون، ثروت و اعتبار خود را هزینه کرده‌ایم تا در نهایت ایران را در جنبه‌های کلیدی از نظر استراتژیک قوی‌تر از قبل رها کنیم.

بی‌بی‌سی در گزارشی توافق آتش بس برای ترامپ را به منزله یک «راه فرار» موقت توصیف کرد که او را از دام ضرب‌الاجلش که باید میان تشدید جنگ یا عقب‌نشینی انتخاب می‌کرد، فراری داد. بیان اینکه «حتی اگر ایران تنگه هرمز را به طور کامل باز کند... نتوانایی آن در کنترل این گلوگاه ژئوپلیتیکی کلیدی اکنون بیش از هر زمان دیگری آشکار است» توسط این رسانه‌ها

می‌توان به منزله اعتراف به شکست راهبردی آمریکا در جنگ ترجمه کرد. نکته کلیدی دیگری که در گزارش بی‌بی‌سی به آن اشاره شده این است که «کشوری که زمانی خود را نیرویی برای ثبات در سراسر جهان معرفی می‌کرد، اکنون پایه‌های نظم بین‌المللی را می‌لرزاند» که این حرف به این معناست که حتی اگر آتش بس منجر به صلح شود، اعتماد جهانی به آمریکا به دلیل تهدیدهای غیر قابل قبول ترامپ به طور بنیادین آسیب دیده است.

گاردین نیز در گزارشی، نتانیاهو را «بزرگ‌ترین بازنده» این جنگ خواند و نوشت: «پس از سال‌ها تهدیدهای بنیامین نتانیاهو علیه ایران، نمایش‌های او در مجمع عمومی سازمان ملل، پرونده‌های مشکوکی که بی‌وقه زیر بینی رسانه‌های جهان تکانه می‌شد و فشار دیپلماتیک بر رؤسای جمهوری متوالی آمریکا برای موافقت با جنگ علیه ایران، درگیری اسرائیل در نهایت با شکست مواجه شده است. ارزیابی جامعه اطلاعاتی آمریکا که پیش‌بینی‌های اسرائیل درباره تغییر رژیم و انقلاب در ایران را «مسخره» خوانده بود، درست از آب درآمد. ارزیابی اسرائیل مبنی بر اینکه جنگ حداکثر چند روز و در بدترین حالت چند هفته طول خواهد کشید، به طرز فجیعی اشتباه از آب درآمد. حتی دو روز پیش، به گزارش کانال ۱۲ اسرائیل، نتانیاهو از دونالد ترامپ خواسته بود با آتش بس موافقت نکند. برای یک روز، رئیس‌جمهور آمریکا هشدارهای نسل‌کشانه خود را به تهران صادر کرد و سپس تسلیم‌شده و روایتی اسرائیل را در تصمیم‌گیری‌های خود کنار گذاشت».

رصد

نقض آتش بس‌های رژیم صهیونی در تهران و لبنان، مذاکرات اسلام‌آباد را با تردید مواجه کرده است

بدون لبنان هرگز

شرایطی، اگر یکی از اضلاع مقاومت در میدان تنه‌باماند، احتمال تشدید فشارها و عملیات‌های گسترده علیه آن جبهه افزایش می‌یابد. از این منظر، موضوع تنها یک مسئله سیاسی یا رسانه‌ای نیست، بلکه به یک معادله راهبردی مربوط می‌شود. راهبردی «وحدت ساحات» دقیقاً برای جلوگیری از چنین وضعیتی طراحی شده است؛ وضعیتی که در آن دشمن می‌کوشد با تفکیک میدان‌ها و جدا کردن جبهه‌ها از یکدیگر، فشار نظامی خود را بر یکی از آن‌ها متمرکز کند.

در چنین شرایطی، طبیعی است که این پرسش در فضای تحلیل منطقه‌ای مطرح شود که اگر حزب‌الله در مقاطع مختلف در حمایت از دیگر جبهه‌ها وارد میدان شده و هزینه پرداخته است، آیا اکنون می‌توان پذیرفت که لبنان از معادله کنار گذاشته شود و حملات علیه آن ادامه یابد؟

پاسخ به این پرسش در واقع آزمونی برای میزان پایدنی به راهبرد وحدت ساحات است. اگر این

راهبرد قرار است فقط در سطح ادبیات سیاسی باقی بماند، طبیعتاً در بزنگاه‌های میدانی کارکرد خود را از دست خواهد داد. اما اگر به‌عنوان یک اصل واقعی پذیرفته شود، لازمه این است که هیچ یک از اضلاع مقاومت در برابر فشارها و حملات تنها گذاشته نشود.

در نهایت باید توجه کرد که آتش بس زمانی معنا پیدا می‌کند که همه جبهه‌های درگیر را دربرگیرد. آتش بسی که در آن یک جبهه از میدان خارج شود اما جبهه‌ای دیگر همچنان زیر آتش قرار داشته باشد، بیش از آنکه به کاهش تنش کمک کند، می‌تواند به تغییر تمرکز فشار و تشدید حملات در یک میدان خاص منجر شود.

از این رو، تحولات امروز لبنان را باید در چارچوب همین معادله بزرگ‌تر تحلیل کرد؛ معادله‌ای که در آن سرنوشت میدان‌های مختلف به یکدیگر گره خورده و هر گونه تصمیم یا اقدام در یک جبهه، بر سایر جبهه‌ها نیز تأثیر خواهد گذاشت.

سایه روشن میانجی‌گری پاکستان

میان تهران و واشنگتن

«با کمال تواضع، خوشحالم اعلام کنم که ایران و آمریکا به همراه متحدانشان، با آتش بس فوری در همه جبهه‌ها از جمله لبنان موافقت کرده‌اند». این بخشی از پیام شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان در شبکه ایکس است که از توافق بزرگ میان تهران و واشنگتن بر سر یک آتش بس فوری با میانجی‌گری اسلام‌آباد خبر می‌دهد. از سوی دیگر ترامپ نیز اعلام کرد به درخواست شهباز شریف، نخست‌وزیر و ژنرال عاصم منیر، رئیس ارتش پاکستان، با تعویق حمله برنامه‌ریزی شده به ایران به مدت دو هفته توافق کرده است. در کنار این‌ها، جمهوری اسلامی ایران هم مراتب قدردانی خود از میانجی‌گری و نقش پاکستان در برقراری آتش بس موقت را اعلام می‌کند.

با این حال و با وجود فضای بسیار امیدوارکننده، ایفای این نقش میانجی‌گرانه از جانب پاکستان با سایه روشن‌هایی برای این کشور توأم شده است؛ در وهله نخست این تحرکات دیپلماتیک پاکستان و به قولی «دیپلماسی بی‌صدای» اسلام‌آباد میان واشنگتن و تهران می‌تواند بر موقعیت و جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی این کشور تأثیری بسزا داشته باشد. اینکه پاکستان پس از مدت‌ها میزبان حل یک بحران بین‌المللی شده، آن هم در شرایطی که خود در تنش شدید با همسایگانی همچون هند و افغانستان به سر می‌برد، می‌تواند دستاورد و پیروزی بزرگ دیپلماتیک تلقی شود. دقیقاً بر همین اساس است که اپوزیسیون دولت مودی در هند، انفعال این کشور در این قضیه را به شدت مورد انتقاد قرار داده و آن را نشانه ضعف دیپلماسی دهلی نو در برابر اسلام‌آباد دانسته‌اند.

از سوی دیگر موفقیت پاکستان در برقراری توازن ارتباط و همکاری هم‌زمان با پکن و واشنگتن را نیز باید از دیگر نکات درخور تأمل این نقش‌آفرینی بین‌المللی تلقی کرد. رایزنی مداوم اسلام‌آباد با پکن و اعلام حمایت چین از تلاش‌ها و طرح میانجی‌گرانه پاکستان و اذعان واشنگتن بر نقش مثبت پکن در این معادلات، خود گویای موفقیت اسلام‌آباد در حفظ چنین توازن ظریفی است.

اما از وجهی دیگر، به نظر می‌رسد این میانجی‌گری پس از همه می‌تواند به خود اسلام‌آباد برای خروج از دشواری‌های چندجانبه ناشی از این بحران کمک کند.

در این راستا، این طرح پیش و بیش از همه می‌تواند به پاکستان برای خروج از تنگنای روابط میان ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس و به‌ویژه عربستان سعودی کمک کند. با توجه به پیمان امنیتی ریاض و اسلام‌آباد و وابستگی پاکستان به کمک‌های مالی عربستان از یک سو و روابط پایدار ایران و پاکستان و به خصوص ادعای خسارت چند میلیارد دلاری تهران از اسلام‌آباد در قضیه خط لوله صلح از سوی دیگر، بالا رفتن سطوح تقابل و تنش میان تهران و ریاض می‌تواند اسلام‌آباد را در معرض هزینه‌های سنگین و حتی انتخاب‌های دشوار قرار دهد.

علاوه بر این، ایفای نقش میانجی می‌تواند به بهبود موقعیت و اعتبار دولت و ارتش پاکستان در میان مردم کمک کند. با توجه به حساسیت افکار عمومی پاکستان به قضیه فلسطین و همچنین حمایت آن‌ها از ایران در برابر تهاجم آمریکا و رژیم صهیونیستی، نقش‌آفرینی اخیر اسلام‌آباد می‌تواند در رفع پارادوکس میان مردم پاکستان و دولت و ارتش این کشور نقشی مهم ایفا کند.

اما با وجود همه نکات روشن ذکر شده، این میانجی‌گری می‌تواند با نکات مبهم و در واقع با نقاط تاریکی نیز مواجه شود. شخصیت غیر قابل پیش‌بینی و غیر قابل اعتماد ترامپ، وابستگی تصمیم‌های واشنگتن به تل‌آویو، نبود توجه کافی به نقش رژیم صهیونیستی در ایجاد این بحران و در نهایت عهدشکنی رژیم صهیونیستی، همگی بخشی از این نقاط تاریک هستند. اختلاف نظر بر سر لبنان نخستین جلوه این موضوع است که با تأکید نخست‌وزیر پاکستان بر فراگیری آتش بس به لبنان و عدم پذیرش آن از سوی تل‌آویو همراه شده است. در هر حال به نظر می‌رسد دولت اسلام‌آباد حیثیت و اعتبار خود را بر سر این توافق به گرو گذاشته است، آن هم در شرایطی که به عنوان میانجی نمی‌تواند بر فرایند اعتمادبخشی و تضمین نهایی توافق‌ها کنترل چندانی داشته باشد.

تا چابیت سرد میشه ، آگهی تو سفارش بده
همین قدر راحت و سریع

پذیرش آگهی غیر حضوری در روزنامه قدس

۰۵۱-۳۷۵۸۸

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه نوبت اول
تعاونی مسکن کارکنان دفاتر اسناد رسمی قم

بدینوسیله از کلیه سهامداران تعاونی مسکن کارکنان دفاتر اسناد رسمی قم دعوت به عمل می‌آید در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه نوبت اول که راس ساعت ۱۳ روز سه شنبه ۱۴/۰۵/۱۴۰۵ در محل دفتر تعاونی به آدرس ۴۵متری صدوق، کوچه ۷، پلاک ۲۵۵، طبقه زیرزمین تشکیل میگردد حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:

- ۱- تمدید مدت فعالیت هیات تصفیه ۲- تعیین و نحوه ی به روزرسانی بدهی های پایان کار و سند واحدها که در گزارش کارشناس رسمی تعیین شده است. ۳- تعیین مبلغ نقل و انتقال واحدها جهت دریافت سند. کلیه سهامداران می بایست جهت اخذ تاییدیه سهامدار بودن و یا معرفی وکیل برای افرادی که قادر به حضور در جلسه نیستند حداکثر ظرف مدت یک هفته از انتشار آگهی به دفتر تعاونی مراجعه نمایند.

رئیس هیات در حال تصفیه- بهادر بهرامی

برگ سبز وانت دوکابین کاپر ۱۳۹۰ شماره پلاک ایران ۸۳۷۰۶۶
شماره موتور SKB2177 شماره شاسی NAGPUPF23B2807222
به نام علی جاودان مفقود شده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز ، کارت سواری پراید صبا جی .تی.ایکس مدل ۱۳۸۲ شماره پلاک ایران ۳۲۷۰۴۲
شماره موتور ۰۵۴۷۰۶۱۱ شماره شاسی S1F12328934677
به نام فهیمه داصودی مفقود شده و فاقد اعتبار است.

سفارش آگهی خیلی آسان و راحت
۳۷۵۸۸
سازمان آگهی های روزنامه قدس